



درنگی بر یکی دو بند از «فلسفهٔ انگلیسی زبان: ۱۷۵۰ تا ۱۹۴۵»،
ترجمهٔ یاسر خوشنویس

محمدسعید حنایی کاشانی

تهران، چهارشنبه ۹ تیر، ۱۴۰۰

www.fallosafah.org

www.fallosafah.malakut.org

@fallosafahmshk

عاقبت منزل ما وادی خاموشان است
حالیاً غُلْغُلَه در گنبد افلاک انداز
حافظ

درنگی بر یکی دو بند از «فلسفه انگلیسی‌زبان: ۱۷۵۰ تا ۱۹۴۵»،

ترجمه یاسر خوشنویس

ناشر: فُلُّ سَفَه

تاریخ نشر: چهارشنبه ۹ تیر، ۱۴۰۰

محل نشر: تهران

تارنما:

fallosafah.org

fallosafah.malakut.org

تلگرام: @fallosafahmshk

آکادمیا: [academia.edu/Saeed H. Kashani](http://academia.edu/Saeed.H.Kashani)

* همه حقوق برای نویسنده محفوظ است *

درنگی بر یکی دو بند از «فلسفه انگلیسی زبان: ۱۷۵۰ تا ۱۹۴۵»، ترجمه یاسر خوشنویس

محمدسعید حنایی کاشانی

جان اسکورپسکی، فلسفه انگلیسی زبان: ۱۷۵۰ تا ۱۹۴۵ (تاریخ فلسفه غرب: ۶)، ترجمه یاسر خوشنویس، ویراستار علمی محمد ابراهیم باسط، انتشارات سمت، ۱۳۹۹ [انتشار، ۷ تیر ۱۴۰۰].

پنجشنبه از اتفاق تارنمای «بنیاد دایرةالمعارف اسلامی» را می دیدم که خبر انتشار جلد ۶ تاریخ فلسفه غرب آکسفورد، به ترجمه یاسر خوشنویس را در آن خواندم. خبر و معرفی کتاب را از «خبرگزاری مهر» نقل کرده بود و متعلق به همان روز بود. البته، چندماهی بود که از در دست انتشار بودن ترجمه این کتاب خبر داشتم، اما این خبر شگفت زده ام کرد، چون روز یا شب قبل در جایی دیگر ندیده بودم! به تارنمای ناشر رجوع کردم خبری از انتشار آن نبود. به تارنمای «انتشارات مولی» (پخش کننده رسمی کتاب های «سمت») و صفحه اینستاگرام آن رجوع کردم باز خبری نبود. چه شده بود؟ «خبرگزاری مهر» از کجا خبر نشر کتابی را داده بود که

هنوز به بازار نیامده بود! خبرنگار این خبرگزاری کتاب را کجا دیده بود و چگونه به صفحات نخستین آن دست یافته بود، وقتی حتی تارنمای خود ناشر چیزی در این باره ندارد یا کتاب هنوز در بازار نیست و نیامده است؟ برایم معمایی بود! باری، از شنبه به بعد هرروز تارنمای «مولی» را می‌دیدم تا به محض ورود کتاب آن را سفارش دهم. خبر نشر کتاب به نقل از «مهر» روز شنبه در «فرهنگ امروز» نیز آمد! اما هیچ کجا خبری از کتاب نبود! خوشبختانه پریروز دوشنبه ۷ تیر آن را در تارنمای «مولی» دیدم و به همراه دو کتاب دیگر از «سمت» سفارش دادم. به محض رسیدن کتاب شروع کردم به ورق زدن: همان چیزی بود که انتظارش را داشتم. نومیدم نکرد.

من ترجمه خودم را می‌توانستم سال گذشته منتشر کنم، اما دست نگه داشتم تا مترجمان و ناشری که از روی ترجمه‌های قبلی من تاکنون ۵ کتاب ترجمه کرده‌اند یکی را هم خودشان زودتر ترجمه کنند تا ببینیم مترجمان و ویراستاران‌شان چند مرده حلاج‌اند، هرچند همین ترجمه‌هایی هم که از روی ترجمه‌های من کرده‌اند باز آن قدر نکته دارد که بتوان مترجمان و ویراستاران و ناشرشان را محک زد. باری، اصلاً نیازی نبود که از صفحه نخست ترجمه فراتر بروم تا به امید صیدی شاهوار وارد آب‌های عمیق شوم. ماهی‌های مرده در روی آب شناور بودند و نیازی به تور و طعمه برای صیدی در زیر آب نبود، تا چه رسد که در پی یافتن صدفی بی‌همتا به غواصی در اعماق آب نیاز باشد! اکنون فقط نخستین صفحه از کتاب را مرور می‌کنم. متن انگلیسی و ترجمه ایشان و نیز خودم را به دنبال می‌آورم. گفتنی است که مترجم در یادداشت خود از ویراستار علمی کتاب آقای دکتر ابراهیم باسط «که کیفیت ترجمه را بهبود بخشیدند» تشکر کرده است. یقیناً، چنین بوده است و تعارفی در کار نیست. اما در مرور نخستین صفحه می‌توان به این نکته نیز پی برد که قرار نیست «ویراستار» معجزه کند یا خود همه چیز را بفهمد یا خود همه چیز را «درست» کند یا همچون شعبده‌بازان از کلاه خرگوش بیرون بیاورد یا «مس» را «طلا» کند، تا چه رسد که متن را «بهبتر» کند

یا خود کتاب را بهتر از مترجم نخست ترجمه کند، اگر انجام دادن این کار به او واگذار شود! باری، که گفته است ویراستار می‌تواند کاری کند که مترجم از انجام دادن آن عاجز بوده است؟ اما برویم سراغ این ترجمه تازه.
متن انگلیسی:

This is a philosopher's, not a historian's, history. When past thinkers are magicked into contemporaries, the feeling for philosophy's slow rhythms and brief flourishes is lost—I have tried to avoid that. But I have been more opinionated than a historian of ideas would care to be, and much more selective. I tell the story from a present philosophical vantage point, without forswearing hindsight.

ترجمه خوشنویس:

این تاریخی است که یک فیلسوف نوشته است، نه یک مورخ. هنگامی که متفکران گذشته نزد معاصران احضار می‌شوند، حس آهنگ کند و شکوفایی تدریجی فلسفه از دست می‌رود؛ سعی کرده‌ام از این امر پرهیز کنم. البته آراشم را بیشتر از یک مورخ ایده‌ها در این کتاب دخالت داده‌ام و بسیار بیشتر گزینشی عمل کرده‌ام. داستان را از یک منظر فلسفی امروزی و بدون انکار کردن وقوف بعد از وقوع روایت می‌کنم.

(تصور نکنید که من در این ترجمه دست برده‌ام! تصویر صفحه کتاب در پایان

به پیوست است.)

ترجمه من:

این تاریخی است به قلم فیلسوف، و نه تاریخی به قلم مورخ. هنگامی که متفکران گذشته با حرکتی جادویی به صورت متفکران معاصر درمی‌آیند، توانایی فهم ضرباهنگ‌های کُند فلسفه و شیرین‌کاری‌های کوتاه رنگ

می‌بازد، و این آن چیزی است که من کوشیده‌ام از آن پرهیز کنم. اما من می‌خواستم خودرأی‌تر از آن باشم که مورّخ اندیشه‌ها و عقاید بدان راغب است و البته بسیار گزینش‌گتر. من از جایگاه بلند دیدگاهی فلسفی در زمان کنونی این داستان را می‌گویم، بی‌آنکه از عادت بد بازنگری دست بردارم.

شرح و توضیح:

اشتباه‌های این ترجمه در همین یک بند، دست کم از نظر من و به دانش و فهم من، عبارت اند از:

۱. ترجمه نادرست magicked into به «احضار کردن» به جای «تبدیل کردن» یا «ساختن».

۲. ترجمه نادرست the feeling for به «حس» به جای «توانایی فهم».

۳. ترجمه نادرست rhythms به «آهنگ» به جای «ضربانگ‌ها».

۴. ترجمه نادرست brief به «تدریجی» به جای «کوتاه».

۵. ترجمه نادرست flourishes به «شکوفایی» به جای «شیرین کاری‌ها».

۶. ترجمه نادرست opinionated به «آرائم... دخالت» به جای «خودرأی».

۷. از چشم افتادگی اتفاقی یا حذف عمدی و نا به جای care to be به

معنای «راغب بودن، تمایل داشتن، خواستن».

۸. ترجمه نادرست vantage point به «منظر» به جای «جایگاه بلند /

دیدگاه مشرف، اشراف».

۹. ترجمه نادرست forswearing به «انکار کردن» به جای «ترک عادت

بد / دست کشیدن، کنار گذاشتن».

۱۰. ترجمه نادرست hindsight به «وقوف بعد از وقوع» به جای «بازنگری /

بازاندیشی».

اکنون هریک از این ترجمه‌های نادرست را با استناد به فرهنگ‌های لغت

برخط انگلیسی به انگلیسی شرح و توضیح می‌دهم.

۱. مترجم این جمله انگلیسی را که می‌گوید:

When past thinkers are magicked into contemporaries...

ترجمه کرده است به: «هنگامی که متفکران گذشته نزد معاصران احضار می‌شوند». این جمله از احضار ارواح گذشتگان نزد معاصران سخن نمی‌گوید از «تبدیل» متفکران گذشته به متفکران معاصر در گزارش تاریخی و تأویل و تفسیر سخن می‌گوید. نکته اشتباه در اینجا ترجمه فعل are magicked into به «نزد ... احضار می‌شوند» است. کلمه آشنای magic در مقام فعل به معنای «ساختن» و «کردن» است، یعنی چیزی را با جادو یا شعبده و تردستی پدید یا ناپدید کردن یا به چیزی دیگر تبدیل کردن. جادوگر یا شعبده‌باز با تردستی خود از دستمالی دسته‌گلی بیرون می‌آورد یا با زدن چوب جادویی به چیزی آن را ناگهان به چیزی دیگر تبدیل می‌کند. در اینجا نویسنده کار فلسفی فهم و گزارش اندیشه‌های متفکران گذشته را به کار جادوگران یا شعبده‌بازان تشبیه می‌کند که باید متفکران گذشته را با تأویل و تفسیر آنها از دیدگاه امروز به متفکران معاصر تبدیل کند تا سخن‌شان فهمیده شود. حرف اضافه into پیش از contemporaries دال بر «تبدیل» یا «معاصر ساختن» است نه «احضار کردن» یا «پدید آوردن». توضیح این فعل را در انگلیسی همراه با مثال در اینجا ببینید.

★ magic somebody/something + adv./prep. to make somebody/something appear somewhere, disappear or turn into something, by magic, or as if by magic

● He played an early little sonata of Mozart's, which he magicked into a masterpiece with his deft touch.

۲. مترجم این جمله انگلیسی را که می‌گوید:

the feeling for philosophy's slow rhythms and brief flourishes is lost

ترجمه کرده است به «حس آهنگ کند و شکوفایی تدریجی فلسفه از دست می‌رود». ترجمه feeling for به «حس» اشتباه است. این اصطلاح به معنای «توانایی فهم» یا «توانایی انجام دادن کاری» است و به حس یا به‌طور دقیق‌تر

احساس (در انگلیسی sense با feeling فرق دارد) مربوط نیست. توضیح این اصطلاح را در انگلیسی همراه با مثال در اینجا ببینید.

★ a feeling for something

a) an ability to do something or understand a subject, which you get from experience

• *an orchestra that has always shown a special feeling for Brahms' music*

b) a natural ability to do something SYN **talent**

• *He has a natural feeling for mathematical ideas.*

۳. در ترجمه بالا ترجمه rhythms به «آهنگ» اشتباه است. مقصود

«ضرباهنگ‌ها» یا «قافیه‌های موزون» است. توضیح این اصطلاح را در انگلیسی همراه با مثال در اینجا ببینید.

★ rhythm

1 a regular repeated pattern of sounds or movements → **metre**

• Drums are basic to African rhythm.

• complicated dance rhythms

rhythm of

• She started moving to the rhythm of the music.

• the steady rhythm of her heartbeat

• a regular pattern of changes

• the body's natural rhythms

rhythm of

• Jim liked the rhythm of agricultural life

۴. ترجمه نادرست brief به «تدریجی» به جای «کوتاه». این صفت در اینجا

به کوتاهی از نظر مدت و زمان اشاره می‌کند، نه روندی «تدریجی» (gradual). توضیح این اصطلاح را در انگلیسی همراه با مثال در اینجا ببینید.

★ brief

1 continuing for a short time → brevity

• *We stopped by Alice's house for a brief visit.*

- *Let's keep this conversation brief; I have a plane to catch.*

a brief period/moment/spell etc

- *Greene spent a brief time at Cambridge.*

▶ see thesaurus at short

2 using very few words or including few details → brevity

- *The president read a brief statement to reporters before boarding his plane.*

- *a brief description of the film*

۵. ترجمه نادرست flourishes به «شکوفایی» به جای «شیرین کاری‌ها».
اصطلاحی که در اینجا آمده است «اسم» است و نه «فعل». این کلمه در مقام فعل به معنای «شکوفای شدن» است. اما اینجا «اسم» و «جمع» است و به معنای «شیرین کاری»، یعنی کاری استثنائی و چشمگیر، مانند تردستی‌های شعبده‌بازان. توضیح این اصطلاح را در انگلیسی همراه با مثال در اینجا ببینید.

★ flourish noun

- [usually singular] an exaggerated movement that you make when you want somebody to notice you

- *He opened the door for her with a flourish.*

- *With a final flourish she laid down her pen.*

۶. ترجمه نادرست opinionated به «آرائم... دخالت» به جای «خودرأی».
این اصطلاح صفت است و به معنای «خودرأی» یا «مستبد» است. توضیح این اصطلاح را در انگلیسی همراه با مثال در اینجا ببینید.

★ opinionated

expressing very strong opinions about things

- *I found him very arrogant and opinionated*

۷. حذف اتفاقی یا نا به جای care to be به معنای «راغب بودن، تمایل داشتن، خواستن». مترجم would care to be که تمایل مورخ را در مقابل تمایل نویسنده فیلسوف می‌گذارد از قلم انداخته است یا آن را ترجمه‌پذیر نیافته است و ترجمه نکرده است! توضیح این اصطلاح را در انگلیسی همراه با مثال در اینجا ببینید.

★ would you care to do sth?

spoken formal used to ask someone politely whether they want to do something

• *Would you care to join us for dinner?*

۸. ترجمه نادرست vantage point به «منظر» به جای «جایگاه بلند / دیدگاه مشرف، اشراف». این اصطلاح با «منظر» یا «چشم‌انداز» (perspective) و «دیدگاه» (point of view) فرق می‌کند. مقصود دیدگاه یا موضعی است که حاصل «اشراف به موضوع» است، در نتیجه تجربه و مرور زمان و پیشرفت تاریخی. ما نسبت به گذشتگان در جایگاهی بلندتر از آنان ایستاده‌ایم و آنان و زمینه و زمانه تاریخی اندیشه‌هایشان را بهتر از آن می‌فهمیم که خودشان می‌توانستند آنها را بفهمند. توضیح این اصطلاح را در انگلیسی همراه با مثال در اینجا ببینید.

★ vantage point

1 a good position from which you can see something

• *From my vantage point on the hill, I could see the whole procession.*

2 a way of thinking about things that comes from your own particular situation or experiences SYN point of view

• *The whole dispute looked silly from my vantage point.*

۹. ترجمه نادرست forswearing به «انکار کردن» به جای «ترک عادت بد / دست کشیدن، کنار گذاشتن». این واژه به معنای «ترک کردن عادت بد» یا «دست کشیدن از آن» و «کنار گذاشتن آن» است. توضیح این اصطلاح را در انگلیسی همراه با مثال در اینجا ببینید.

★ forswear /verb

• to stop doing something or promise that you will stop doing something

SYN renounce

• *We are forswearing the use of chemical weapons for any reason.*

۱۰. ترجمه نادرست hindsight به «وقوف بعد از وقوع» به جای «بازنگری /

بازاندیشی». این واژه به معنای «بازنگری» و «بازاندیشی» است. توضیح آن این است که انسان همواره بعد از اینکه چیزی اتفاق افتاد دوباره درباره آن بیندیشد. توضیح این اصطلاح را در انگلیسی همراه با مثال در اینجا ببینید.

★hindsight

the ability to understand a situation only after it has happened

- *With hindsight, I should have seen the warning signs.*

در ادامه این صفحه در بند دوم نیز چند اشتباه دیگر چشمگیر است، از این قرار:

۱۱. ترجمه نادرست alarm به «هشدار» به جای «هراساندن» یا «ترساندن».

این کلمه در حالت اسم به معنای هشدار و زنگ ساعت برای بیدارباش و غیره است. اما در حالت فعل (متعدی) به معنای «هراساندن و ترساندن» است.

توضیح این اصطلاح را در انگلیسی همراه با مثال در اینجا ببینید.

★alarm² verb [transitive]

to make someone feel worried or frightened

- *I don't want to alarm you, but I can't find the key*

۱۲. ترجمه نادرست speculative به «گمان‌پردازانه» به جای «نظری».

اصطلاح در اصل به معنای حدس و تخمین است و در اصطلاحات فلسفی به جای theoretical یا «نظری» به کار می‌رود. مقصود از «جهان/کیهان‌شناسی نظری» این است که بیش‌تر فلسفی است تا علمی (تجربی). توضیح این اصطلاح

را در انگلیسی همراه با مثال در اینجا ببینید.

★speculative philosophy

- philosophy embodying beliefs unsusceptible of proof and attempting to gain insight into the nature of the ultimate by intuitive or a priori means.

۱۳. ترجمه نادرست omission به «عبور» به جای «حذف». نمی‌دانم چرا

مترجم آن را به «عبور» ترجمه کرده است؟ این کلمه به معنای «از قلم انداختن»

و «حذف کردن» است. توضیح این اصطلاح را در انگلیسی همراه با مثال در

اینجا ببینید.

★ omission

[uncountable] omission (from something) the act of not including somebody/something or not doing something; the fact of not being included or done

- *Everyone was surprised at her omission from the squad.*

۱۴. ترجمه نادرست debate به «نزاع» به جای «مناظره». این کلمه دقیقاً به معنای «مناظره» است، یعنی بحث موافق و مخالف دربارهٔ مسأله‌ای و سپس رأی‌گیری یا قضاوت مخاطبان. فلسفه و فیلسوف اهل «نزاع» نیستند. توضیح این اصطلاح را در انگلیسی همراه با مثال در اینجا ببینید.

★ debate

a formal discussion of an issue at a public meeting or in a parliament. In a debate two or more speakers express opposite views and then there is often a vote on the issue.

- *the first ever televised presidential debate*

سخن پایانی

ترجمه کاری دشوار است. اما به نظر بسیار آسان رسیده است. چون معمولاً کم‌تر کسی به دقت کتابی را می‌خواند. ترجمه کار نام‌آجور و نامشکوری است. و اکنون کتاب دزدی به نام ترجمه دوباره نیز می‌باید به سیاههٔ دیگر دزدی‌ها افزوده شود. حمایت از ترجمه‌های دوباره با یارانه‌های دولتی و تبلیغات رسانه‌های وابسته و دروغ‌پراکنی راه به جایی نخواهد برد و این سیاست خدعه‌آمیز بومرنگی خواهد بود که دست آخر به سوی خود پرتاب‌کنندگان آن باز خواهد گشت. آن‌که سنگ می‌اندازد، بارانی از سنگ بر سرش فرو خواهد بارید. چنین است «بازگشت پرتابه‌های دروغ». شب دراز است و قلندر بیدار.

در خصوص آشنایی با یاسر خوشنویس و معرفی او اینجا را ببینید.

در خصوص بازترجمه سردسته این گروه از مترجمان، محمدمهدی اردبیلی، و ترجمه او، «فلسفه قاره‌ای» (جلد ۷ از هیمن مجموعه)، مقالات زیر را تاکنون نوشته‌ام و در آینده نیز در خصوص ترجمه‌های دیگر اعضای این دار و دسته باز خواهیم نوشت.

- (۱) «فلسفه قاره‌ای» چیست؟» ۲۰ خرداد ۱۳۹۸.
- (۲) «ترجمه دوم، بهتر یا بدتر؟» ۱۲ مرداد ۱۳۹۸.
- (۳) «فروافتادگان (!؟) وارثان زمین خواهند بود»، ۲۴ شهریور ۱۳۹۸.
- (۴) «فرو افتادگان» از کجا آمد؟»، ۲۶ شهریور ۱۳۹۸.
- (۵) «از "سپهرهای وجود" تا "ساحت‌های وجودی"»، ۱۵ بهمن ۱۳۹۸.
- (۶) «ایمان بد» یا «باور نادرست»؟: مروری بر ترجمه بابک احمدی از اصطلاحی در در فلسفه سارتر، ۲۴ اسفند ۱۳۹۸.
- (۷) هایدگر، از «پرسش هستی» تا «طلب هستی»: درنگی بر یکی دو بند از «فلسفه قاره‌ای»، بازترجمه محمد مهدی اردبیلی»، ۱۹ خرداد ۱۴۰۰.
- (۸) «هستی‌شناسی وجودی» چیست؟ «وضعیت انسان» چیست؟ ۲۵ خرداد ۱۴۰۰.

Skorupski, John. 1946-

English-language philosophy, 1750 to 1945 / John Skorupski.

p. cm.--(A History of Western philosophy : 6) 'An OPUS book'--Ser. t.p.

Includes bibliographical references.

1. Philosophy, Modern--18th century. 2. Philosophy, Modern--19th century. 3. Philosophy, Modern--20th century. I. Title. II. Series.

190--dc20 B803.S54 1993 92-27017

ISBN 0-19-219211-6

ISBN 0-19-289192-8 (Pbk.)

1 3 5 7 9 10 8 6 4 2

Typeset by Graphicraft Typesetters Ltd., Hong Kong

Printed in Great Britain by Biddles Ltd.

Guildford and King's Lynn

-iv-

For Katie and Julia

-v-

[This page intentionally left blank.]

-vi-

Preface

This is a philosopher's, not a historian's, history. When past thinkers are magicked into contemporaries, the feeling for philosophy's slow rhythms and brief flourishes is lost--I have tried to avoid that. But I have been more opinionated than a historian of ideas would care to be, and much more selective. I tell the story from a present philosophical vantage point, without forswearing hindsight.

I have chosen themes which stand out in retrospect, and gone into some detail in discussing the philosophers who developed them. The result is not encyclopaedic. To add mere lists of names does not help, so I have not done so--even though the list of philosophers who consequently receive no, or next to no, mention in the following pages alarms me. Not even the philosophers discussed are always discussed

comprehensively; for example, Peirce's logic and speculative cosmology, and Russell's social and political views, are not treated here. The omission I most regret is of Moore's important views on scepticism, which are germane to my main theme, and a part of his contemporary reputation. They had to be omitted for lack of space. My choices are, I believe, fairly uncontroversial, but they are certainly choices--other stories could have been told.

The main theme in the story I tell is a debate between naturalism, the Enlightenment philosophy which sees human beings wholly as a part of nature, and rejections of naturalism which followed Kant's influential criticism of it. The possibility of intelligible experience, the existence of a priori knowledge, were its crux. Broader cultural claims, about religion and ethics and political life, were staked on it. The stakes were placed because some form of post-Kantian idealism seemed to very many people in the nineteenth century to be the only way of saving reason, faith and freedom. So this became the critical contest in that century's philosophy.

Chapters 4 and 5 deal with the analytic philosophy of this

-vii-

century. It is in the English language that the analytic tradition has been dominant, and so it belongs most naturally in this volume. In dealing with it, however, I have of course been led to consider philosophers who have been of great importance for it but who wrote in German--or in one case, in French.

Analytic philosophy turns on two sorts of effort to end the nineteenth-century contest between naturalism and idealism. The first appears in Chapter 4, where I call it 'conceptual realism'. This had been a diversionary action in the nineteenth century, unfolding not in the English world or in Protestant Germany, but in Catholic Central Europe, the cockpit of resistance to both naturalism and the 'Critical' philosophy of Kant. Independently, it was propounded with magnificent clarity and insight by the German philosopher-mathematician, Gottlob Frege, and then, rather differently and independently again, in the brief period of conceptual realism in Cambridge before the Great War.

From a Kantian standpoint such realism must seem 'preCritical'. But the second phase of analytic philosophy saw an attempt to end the contests of nineteenth-century metaphysics which could, rather, be called 'post-Critical!--it was Wittgenstein's and Carnap's attempt at a dissolution of metaphysics (Chapters 5 and 6). Post-Critical analytic philosophy, which belongs to the tradition of the Critical even while it seeks to dissolve it, is widely influential in contemporary culture--yet among English-language philosophers it is, if anything, in decline. But it may yet have history on its side.

The question underlying ethics and political philosophy in the nineteenth century has not lost its force either--how to respond to the rise of commerce and science and the decline of religion; what place to find in such a society for the life of the spirit. Even in relation to this great question, philosophy continued to proceed with some considerable autonomy, but many of its connections with other cultural, scientific, and religious currents were bound up with it. The sharp distinctions between empirical, conceptual, and normative, much insisted on by philosophers in the first half of this century, appeared to sever the connections and abandon the question. There is truth

این تاریخی است که یک فیلسوف نوشته است، نه یک مورخ. هنگامی که متفکران گذشته نزد معاصران احضار می‌شوند، حس آهنگ کند و شکوفایی تدریجی فلسفه از دست می‌رود؛ سعی کرده‌ام از این امر پرهیز کنم. البته آرائم را بیشتر از یک مورخ ایده‌ها در این کتاب دخالت داده‌ام و بسیار بیشتر گزینشی عمل کرده‌ام. داستان را از یک منظر فلسفی امروزی و بدون انکار کردن وقوف بعد از وقوع روایت می‌کنم.

مضامینی را انتخاب کرده‌ام که اگر به گذشته نگاه کنیم برجسته بوده‌اند و در بحث دربارهٔ فلاسفه‌ای که آن‌ها را بسط داده‌اند، وارد جزئیات شده‌ام. نتیجه کار متنی دائرةالمعارفی نیست. صرف افزودن فهرستی از نام‌ها کمکی نمی‌کند، بنابراین چنین کاری نکرده‌ام، اگرچه فهرست فلاسفه‌ای که در صفحات آتی به آن‌ها اشاره نشده یا تنها اندکی به آن‌ها پرداخته شده، هشدار برای من است. اما حتی فلاسفه‌ای که به آن‌ها پرداخته شده، همگی به نحوی جامع مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. برای مثال، در این کتاب به منطق و کیهان‌شناسی گمان‌پردازانه پرس^۱ و دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی راسل^۲ پرداخته‌ام. مضمونی که بابت عبور از آن بیش از همه متأسفم، دیدگاه‌های مهم مور^۳ دربارهٔ شکاکیت است که به مضامین محوری کتاب مرتبط‌اند و بخشی از شهرت و اعتبار کنونی مور به سبب آن‌هاست. این مباحث باید به دلیل محدودیت فضا کنار گذاشته می‌شدند. معتقدم انتخاب‌هایی کرده‌ام که نسبتاً مناقشه‌ای بر نمی‌انگیزند، اما به هر حال یقیناً انتخاب‌اند: می‌شد داستان‌های دیگری روایت کرد. مضمون اصلی در داستانی که روایت خواهم کرد نزاع میان طبیعت‌گرایی^۴، یعنی فلسفهٔ روشنگری که انسان را کاملاً بخشی از طبیعت می‌بیند، و رد طبیعت‌گرایی است که پس از

1. Peirce
2. Russell
3. Moore
4. naturalism